

کتاب دانیال - شماره سی و سه

«مهر» خدا که با صدور فرمان قانون یکشنبه نقش می‌بندد: تحلیلی پیش‌گویانه از باب ششم کتاب دانیال

Jeff Pippenger

2023-12-28

«مهر» خدا که قابل دیدن است، به هنگام صدور فرمان قانون یکشنبه زده می‌شود.

«هیچ‌یک از ما هرگز مهر خدا را دریافت نخواهد کرد مادامی که در شخصیت‌های ما حتی یک لکه یا کدورتی باقی باشد. بر عهده ما گذاشته شده است که عیوب شخصیت‌های خود را اصلاح کنیم و هیکل جان را از هر آلودگی پاک سازیم. آنگاه باران آخر بر ما خواهد بارید، همان‌گونه که باران اول در روز پنطیکاست بر شاگردان بارید...»

"ای برادران، در کار بزرگ آماده‌سازی چه می‌کنید؟ آنان که با دنیا یکی می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و خود را برای نشان وحش آماده می‌کنند. آنان که به خود اعتماد ندارند، در برابر خدا فروتن می‌شوند و با اطاعت از حقیقت جان‌های خود را پاک می‌سازند، اینان قالب آسمانی را می‌پذیرند و برای مهر خدا بر پیشانی‌هایشان آماده می‌شوند. وقتی فرمان صادر شود و مهر زده گردد، منش آنان تا ابد پاک و بی‌لکه خواهد ماند." گواهی‌ها، جلد پنجم، صفحات ۲۱۴ و ۲۱۶.

دانیال مهر قابل مشاهده را وقتی به لانه شیران افکنده می‌شود دریافت می‌کند؛ بنابراین این باب نمایانگر فرمان قانون یکشنبه است.

آنگاه آن مردان نزد پادشاه گرد آمدند و به پادشاه گفتند: ای پادشاه، بدان که قانون مادها و پارس‌ها این است که هیچ فرمان یا قانونی که پادشاه برقرار کند، قابل تغییر نیست. آنگاه پادشاه فرمان داد و دانیال را آوردند و او را در گودال شیران افکندند. سپس پادشاه با دانیال سخن گفت و گفت: خدای تو که پیوسته او را خدمت می‌کنی، تو را نجات خواهد داد. و سنگی آوردند و بر دهانه گودال نهادند؛ و پادشاه آن را با مهر خود و با مهر سرورانش مهر کرد تا تصمیم درباره دانیال تغییر نکند. دانیال ۱۵:۶-۱۷

داستان در آن‌جا پایان نمی‌یابد، اما در همان جایی پایان می‌یابد که آغاز شده بود. روایت فصل ششم کتاب دانیال ائتلافی را به تصویر می‌کشد که عمدتاً به رهبری صد و بیست امیر و دو رئیس کم‌مرتبه‌تر بود، اما مشاوران، فرماندهان و والیان را نیز دربر می‌گرفت. این ائتلاف پنج‌گانه برای فریب دادن پادشاه و واداشتن او به آزار دانیال شکل گرفت. داستان با داوری آنان پایان می‌یابد، زیرا آنان نمایانگر داوری ویژه‌ای هستند که در زمان قانون یکشنبه رخ می‌دهد؛ داوری‌ای که متوجه کسانی که نماینده دانیال یا پادشاه‌اند نیست، بلکه متوجه کسانی است که پادشاه را فریب دادند.

و پادشاه فرمان داد، و آن مردانی را که دانیال را متهم کرده بودند آوردند، و ایشان را با فرزندان و زنانشان به گودال شیران افکندند؛ و شیران بر ایشان چیره شدند و پیش از آن‌که به قعر گودال برسند، همه استخوان‌هایشان را خرد کردند. دانیال ۲۴:۶.

در سناریوی نبوی، همواره این کلیساست که دولت را می‌فریبد، و فصل ششم فریبی را که علیه پادشاه صورت گرفته آشکار می‌کند. پس از آن‌که آخاب شاهد تجلی نیرومند قدرت خدا بر کوه کرمل بود، ایلیا او را در میان باران به نزد ایزابیل بازگرداند. آخاب دلیلی نداشت که فکر کند ایزابیل از شهادت نیرومند قدرت خدا متأثر نخواهد شد، اما او دربارهٔ نفرت عمیق و ریشه‌دار ایزابیل نسبت به ایلیا فریب

خورده بود. داستان ایلیا در رویارویی با آخاب و ایزابل بار دیگر در داستان یوحنا تعمیددهنده (که همان ایلیا بود) و هیروودیس و هیروودیس تکرار می‌شود.

وقتی در روز تولدش، هیروودس مست به سالومه (دختر هیروودیس) وعده داد که نیمی از پادشاهی‌اش را به او بدهد، انتظار نداشت که هیروودیس سر یوحنا را مطالبه کند. پادشاهان، چه آخاب، چه هیروودس، چه داریوش، به دست زن ناپاک فریب می‌خورند؛ از راه رقص پیامبران دروغین ایزابل، یا رقص دختر هیروودیس، یا ائتلاف پنج‌گانه در داستان دانیال. پیلطس نیز به دست طبقه کاهنان فاسد فریب خورد که نماینده «کلیسای» یهودی بود، و کلیسا نماد زن است.

فریب ویژگی سناریوی نبوی است، و اسلام وای سوم همان دروغی است که برای فریب دادن سازمان ملل متحد در روزهای آخر از طریق ترس به کار گرفته می‌شود. هم "فریب" و هم "دروغ"ی که آن فریب را پدید می‌آورد، در کلام نبوی خدا شناسایی شده‌اند. نقش اسلام، و تبدیل پاپیت به سر هشتم هفت سر، پیش‌تر به عنوان بخشی از پیامی که در روزهای آخر از مهر گشوده می‌شود، یعنی مکاشفه عیسی مسیح، شناسایی شده‌اند. از این رو، افشای فریب داریوش در باب ششم دانیال بخشی از پیامی است که پیام فریاد نیمه‌شب را تشکیل می‌دهد. این فریب، عنصری است که زخم مهلک را به طور کامل شفا می‌دهد و بدین‌سان پاپیت را به عنوان هشتمین و واپسین پادشاهی احیا می‌کند. در فریب داریوش، دو رئیس مرتد و صد و بیست امیر، نمایندگان هم‌پیمانی فریب‌اند که در تقابل با دانیال قرار دارند.

صد و بیست نمادی از شاگردان خدا در پنتیکااست است.

و در آن ایام پطرس در میان شاگردان برخاست و گفت، (تعداد نام‌ها در مجموع حدود صد و بیست بود). اعمال رسولان ۱:۱۵.

پنتیکااست نماد قانون یکشنبه است، هنگامی که مهر نهاده می‌شود، و آن صد و بیست امیری که داریوش را فریب دادند، نماد کهنوت دروغین در قانون یکشنبه‌اند. دو دسته از کسانی که پادشاه را فریب می‌دهند، به وسیله دو رئیس مرتد و صد و بیست امیر مرتد معرفی می‌شوند. آن دو رئیس در کنار دانیال، که پیامبر است، قرار داده می‌شوند. آن دو طبقه‌ای که داریوش را فریب می‌دهند، نماینده گروهی از پیامبران دروغین و گروهی از کاهنان فاسدند.

وای بر شبانانی که گوسفندان چراگاه مرا نابود کرده و پراکنده می‌سازند! می‌گوید خداوند. پس چنین می‌گوید خداوند، خدای اسرائیل، بر ضد شبانانی که قوم مرا می‌چرانند: شما گله مرا پراکنده ساخته‌اید و آنان را رانده‌اید و به آنان رسیدگی نکرده‌اید؛ اینک، شر کردارهای شما را بر شما باز می‌آورم، می‌گوید خداوند. و بازماندگان گله‌ام را از همه کشورهای که ایشان را بدانجا رانده‌ام گرد خواهم آورد، و آنان را بار دیگر به آغل‌هایشان بازخواهم آورد؛ و بارور خواهند شد و فزونی خواهند یافت. و بر آنان شبانانی خواهم گماشت که ایشان را خواهند چرانید؛ و دیگر نخواهند ترسید و هراسان نخواهند شد، و هیچ‌یک از آنان مفقود نخواهد شد، می‌گوید خداوند. اینک روزها می‌آید، می‌گوید خداوند، که برای داوود شاخه‌ای عادل برمی‌انگیزم، و پادشاهی سلطنت خواهد کرد و کامیاب خواهد شد، و در زمین داوری و عدالت را به اجرا خواهد گذاشت. در ایام او یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل به امان ساکن خواهد شد؛ و این است نامی که او را بدان خواهند خواند: «خداوند عدالت ما». از این رو، اینک روزها می‌آید، می‌گوید خداوند، که دیگر نخواهند گفت: «زنده است خداوند که فرزندان اسرائیل را از سرزمین مصر برآورد»؛ بلکه خواهند گفت: «زنده است خداوند که نسل خاندان اسرائیل را از سرزمین شمال و از همه کشورهای که ایشان را بدان رانده بودم برآورد و رهبری کرد»؛ و آنان در سرزمین خود ساکن خواهند شد. دل من در درونم به سبب انبیا شکسته است؛ همه استخوان‌هایم می‌لرزد؛ چون مردی مست هستم و چون کسی که

شراب بر او چیره شده است، به سبب خداوند و به سبب سخنان قدوس او. زیرا سرزمین از زناکاران پر است؛ زیرا به سبب سوگند خوردن، زمین ماتم می‌گیرد؛ چراگاه‌های دلپذیر بیابان خشکیده است، و راهشان بد است، و نیروی‌شان درست نیست. زیرا هم نبی و هم کاهن ناپاک‌اند؛ آری، در خانه خود شرارت ایشان را یافته‌ام، می‌گویند خداوند. از این رو راهشان برایشان چون راه‌های لغزان در تاریکی خواهد بود؛ رانده خواهند شد و در آن خواهند افتاد؛ زیرا من بلا را بر آنان خواهم آورد، یعنی سال رسیدگی به ایشان، می‌گویند خداوند. ارمیا 1:23-12.

«سال تفتیش» ارمیا، داوری توطئه‌گرانی است که داریوش را فریب دادند. داوری انبیای دروغین و کاهنان، جزو مضامین کلام نبوی است. و همان‌گونه که کاهنیت فاسد مقامات رومی را علیه مسیح برانگیخت و فریفت، توطئه در دانیال باب ششم دقیقاً به همان حقیقت نبوی می‌پردازد.

خطوط نبوی باب پنجم دانیال، داوری اجرایی‌ای را که در زمان قانون روز یکشنبه بر شاخ جمهوری‌خواه و ملت ایالات متحده اجرا می‌شود، بیان می‌کند. آن داوری به وسیله اسلام وای سوم انجام می‌شود که از دیوار جنوبی بی‌نگهبان به درون قلمرو نفوذ کرده است. خط قانون روز یکشنبه در باب سوم دانیال نشان می‌دهد که قوم خدا در همان زمان به عنوان پرچمی برای تمام جهان برافراشته می‌شوند. باب ششم بر داوری‌ای تمرکز دارد که در همان تاریخ بر پیامبران دروغین اجرا می‌شود.

در هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده، شاخ پروتستان مرتد از دو دسته تشکیل می‌شود: یکی که یکشنبه را به عنوان روز عبادت پاس می‌دارد و دیگری که بیهوده ادعا می‌کند سبت را به عنوان روز عبادت پاس می‌دارد. همتایان آنان در شاخ جمهوری‌خواه، احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه هستند. نمونه هر یک از این دو شاخ مرتد در زمان مسیح، صدوقیان و فریسیان بودند. دو رئیس مرتد و یکصد و بیست کاهن در ماجرای فریب داریوش نیز نمایانگر دو دسته شاخ مرتد پروتستانیسم هستند. گرچه آنان در زمان وقوع داستان در واقع چهره‌هایی سیاسی بودند، اما زمینه نبوی نشان می‌دهد که این قدرت دینی مرتد است که دولت را فریب می‌دهد.

این داستان، همان‌گونه که در کوه کرمل نشان داده شده، دو دسته از پیامبران دروغین را مشخص می‌کند: پیامبران بعل و پیامبران بیشه (عشتاروت). آن‌ها در کنار هم نماد پیوند کلیسا و دولت‌اند، زیرا بعل خدایی مذکر است و عشتاروت الهه‌ای مؤنث. ایلیا سرانجام پیامبران دروغین کوه کرمل را به قتل رساند، همان‌گونه که توطئه‌گران باب ششم دانیال به لان شیران افکنده شدند.

و ایلیا به آنان گفت: پیامبران بعل را بگیرید؛ نگذارید حتی یکی از آنان بگریزد. آنان را گرفتند، و ایلیا ایشان را به کنار نهر کیشون برد و در آنجا آنان را کشت. اول پادشاهان ۱۸:۴۰.

در همان روایت کوه کرمل، که یحیی تعمیددهنده نماینده آن است، قدرت فریب‌دهنده دختر است. هر دو داستان فریبکاران را در حال رقص معرفی می‌کنند؛ چه گرد قربانی خود بر کوه کرمل، و چه در جشن تولد مستانه هیرودس، جایی که سالومه رقص فریب خود را اجرا کرد. این دو روایت در کنار هم، پیوند کلیسا و دولت را که در قانون یکشنبه به طور کامل شکل می‌گیرد، نشان می‌دهند؛ و نیز اینکه کلیساهای مرتد ایالات متحده دختران هیرودیاس‌اند، که همان ایزابل است، و هر دو نمایانگر کاتولیسیسم‌اند. زادروز هیرودس نشانه پایان ششمین پادشاهی وحش زمین است، اما هم‌زمان نشانه تولد هفتمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس (سازمان ملل متحد) نیز هست.

در همان وعده‌ای که هیرودیس به سالومه می‌دهد، او می‌پذیرد که نیمی از پادشاهی‌اش را به سالومه بدهد، و این نشان می‌دهد که پادشاهی هفتم نمایانگر ترکیبی از نیمی کلیسا و نیمی دولت است. این پادشاهی از زمانی آغاز می‌شود که سر یحیی به هیرودیاس تحویل داده می‌شود. به همین دلیل، پادشاهی هفتم در فصل هفدهم مکاشفه به صورت چیزی که تنها برای مدت کوتاهی ادامه

دارد، به تصویر کشیده شده است. در هنگام قانون یکشنبه است که اتحاد سه‌گانه برقرار می‌شود، زیرا در آنجا ده پادشاه موافقت می‌کنند که پادشاهی کوتاه‌عمر خود را برای یک «ساعت» به وحش بدهند. آن «یک ساعت»، «ساعت» بحران قانون یکشنبه است که در ایالات متحده آغاز می‌شود و هنگامی که میکائیل برمی‌خیزد پایان می‌یابد.

و آن ده شاخی که دیدی ده پادشاه‌اند که هنوز پادشاهی نیافته‌اند؛ اما برای ساعتی با آن وحش چون پادشاهان قدرت می‌یابند. آنان یکدل‌اند و قدرت و توان خود را به وحش خواهند سپرد. آنان با بره جنگ خواهند کرد و بره بر ایشان پیروز خواهد شد، زیرا او خداوندِ خداوندان و پادشاه پادشاهان است؛ و آنان که با او هستند، خوانده‌شدگان و برگزیدگان و وفاداران‌اند. مکاشفه 14-17:12.

ده پادشاه که هیروودیس نماینده آنان است، در زادروز هفتمین پادشاهی توافق می‌کنند که در خلال بحران قانون یکشنبه، که به صورت «یک ساعت» بازنمایی شده است، نیمی از پادشاهی خود را به وحش واگذارند. در همان «ساعت»، دست‌نوشته بر دیوارِ بلشصر نقش می‌بندد. در همان «ساعت»، شدرک، میشک و عبدنغو به کوره آتش افکنده می‌شوند و همچون دو شاهدِ باب یازدهم مکاشفه، در ابری بالا برده می‌شوند. اتحاد سه‌گانه به واسطه فریبی که از سوی وحش زمین انجام می‌شود، که پیش چشم مردم از آسمان آتش فرو می‌آورد، شکل می‌گیرد.

و دیدم وحشی دیگر که از زمین برمی‌آمد؛ دو شاخ مانند بره داشت و چون اژدها سخن می‌گفت. همه قدرت وحش نخستین را در حضور او اعمال می‌کند و زمین و آنان را که در آن ساکن‌اند وادار می‌کند که وحش نخستین را بپرستند، همان که زخم مرگبارش شفا یافته بود. و آیات بزرگ به جا می‌آورد، چندان که در برابر دیدگان مردم آتش را از آسمان بر زمین فرود می‌آورد؛ و به وسیله آن معجزاتی که قدرت داشت در حضور وحش انجام دهد، ساکنان زمین را فریب می‌دهد و به ساکنان زمین می‌گوید که برای آن وحش، که از شمشیر زخمی شده و زنده مانده بود، تمثالی بسازند. مکاشفه ۱۳:۱۱-۱۴.

جهان فریب می‌خورد، نه چندان به خاطر معجزات، بلکه بیشتر به خاطر «ابزار آن معجزات» که او قدرت انجام‌شان را داشت. عبارت «ابزار آن معجزات» عبارتی افزوده است، اما تأکید درست را بر معجزات می‌نهد؛ امری که باید با دقت مورد توجه قرار گیرد. شناخت شیوه‌ای که پیام دروغین (آتش از آسمان) جهان را می‌فریبد اهمیت دارد، زیرا اکنون در همان مقطع از تاریخ هستیم که مردمان سیاره زمین از طریق یک «ابراهام‌راه اطلاعاتی» که به دست بازرگانان جهان‌گرای زمین کنترل و دستکاری می‌شود، هیپنوتیزه می‌شوند. آن موضوع را به مقالات بعدی وا می‌گذاریم، اما فعلاً فقط یادآور می‌شویم که فریبی که روسای مملکت و امیران بر داریوش اعمال کردند، موضوعی نبوی و مشخص است که دربردارنده چندین عنصر به هم پیوسته است که باید شناخته شوند.

اتحاد سه‌گانه به واسطه فریب رقص شهوانه سالومه در برابر حاکمان در جشن تولد هیروودس شکل گرفت. فریبی که بر پیلاتس تحمیل شد، ماهیتی دوگانه داشت: این اتهام که مسیح موجب و مروج شورش علیه قدرت دولتی است، و نیز اینکه او بر ضد قدرت دینی کفرگویی می‌کند. در آن ماجرا سه دشمن گرد هم آمدند: قدرت رومی (دولت)، براباس، یک مسیح دروغین (نبی کاذب)، و کلیسای یهودی مرتد (وحش). کلیسای مرتد با دروغ دوگانه شورش و کفرگویی، اقتدار رومی (دولت) را فریب داد.

وقتی داریوش سرانجام از انگیزه فریبکارانش آگاه می‌شود، ناچار می‌گردد دانیال را به لانه شیران بیفکند. دانیال به سبب اطاعت از قانون خدا، قانون دولت را نقض کرد. دروغی که به داریوش عرضه شد، با برکشیدن غرور داریوش به ثمر نشست و بدین‌سان مانع شد که او انگیزه فریبکارانش را بشناسد. آن دروغ و فریب در داستان دانیال و لانه شیران، اطاعت از خدا را کفرگویی و فتنه‌گری

معرفی می‌کند؛ و این همان فریبِ دوگانهٔ صلیب بود، و نشانِ راهِ صلیب با نشانِ راهِ قانون یکشنبه هم‌راستا است.

مجازاتِ قدرتِ مذهبی فریب‌کار از موضوعاتِ پیشگویی‌های کتابِ مقدس است؛ همان‌گونه که واقعیتِ فریب دادنِ قدرتِ دولتی توسطِ قدرتِ مذهبی نیز چنین است.

مردم می‌بینند که فریب خورده‌اند. یکدیگر را متهم می‌کنند که آنان را به نابودی کشانده‌اند؛ اما همه با هم شدیدترین محکومیت‌ها را متوجه روحانیان می‌کنند. شبانان بی‌وفا چیزهای خوشایند را نبوت کرده‌اند؛ شنوندگان خود را بر آن داشته‌اند که شریعت خدا را باطل کنند و کسانی را که می‌خواستند آن را مقدس نگاه دارند آزار دهند. اکنون، در یأس خود، این آموزگاران در برابر جهان به فریبکاری خود اعتراف می‌کنند. انبوه جمعیت از خشم لبریز می‌شوند. «ما هلاک شدیم!» فریاد می‌زنند، «و شما سبب هلاکت ما هستید؛» و به شبانان دروغین حمله‌ور می‌شوند. همان کسانی که زمانی بیش از همه آنان را می‌ستودند، هولناک‌ترین نفرین‌ها را بر آنان بر زبان خواهند آورد. همان دست‌هایی که روزگاری بر سرشان تاج‌های افتخار می‌نهادند، اکنون برای نابودی‌شان برافراشته خواهند شد. شمشیرهایی که بنا بود قوم خدا را بکشند، اکنون برای نابودی دشمنان قوم خدا به کار می‌روند. در همه‌جا نزاع و خونریزی برپاست. کشمکش عظیم، ۶۵۵.

پس از پایان یافتن زمان مهلت، پیروانشان علیه رهبران دینی برمی‌خیزند، زیرا درمی‌یابند که با دروغی که رهبران دینی رواج داده بودند، فریب خورده‌اند. رؤسا و امیران، همراه با خانواده‌هایشان، همگی به خاطر دروغی که ترویج کردند، همان مجازات تلافی‌جویانه را متحمل شدند. هنگامی که ایلیا پیامبران دروغین را در کوه کرمل کشت، همان تلافی در "زلزله بزرگ" باب یازدهم مکاشفه نمایان می‌شود، آنگاه که "هفت هزار" سرنگون می‌شوند.

و در همان ساعت زلزله‌ای عظیم رخ داد، و یک‌دهم شهر فرو ریخت، و در آن زلزله هفت هزار نفر از مردم کشته شدند؛ و بازماندگان هراسان شدند و به خدای آسمان جلال دادند. مکاشفه ۱۱:۱۳.

در تحقق زلزلهٔ بزرگ انقلاب فرانسه، هفت‌هزار نفری که کشته شدند نمایندهٔ خاندان سلطنتی فرانسه بودند. در «ساعت» زلزلهٔ بزرگ که همان قانون یکشنبه است، هفت‌هزاری که کشته می‌شوند نمایندهٔ ادونتیس‌های روز هفتم هستند که در برابر روم کرنش می‌کنند، زیرا تنها کسانی که از الزام سبت روز هفتم آگاه‌اند، زمانی که قانون یکشنبه برقرار شود، نشانِ وحش را دریافت می‌کنند.

تغییر سبت، نشانه یا علامتِ اقتدارِ کلیسای روم است. آنان که، با درکِ الزاماتِ فرمان چهارم، برمی‌گزینند که به‌جای سبتِ حقیقی، سبتِ دروغین را رعایت کنند، بدین‌سان به آن قدرتی که تنها از سوی آن چنین امری فرمان داده شده است ادای احترام می‌کنند. نشانِ وحش، سبتِ پاپی است که جهان آن را به‌جای روزِ تعیین‌شده از سوی خدا پذیرفته است.

اما زمان دریافت نشانهٔ وحش، چنان‌که در نبوت تعیین شده است، هنوز فرا نرسیده است. زمان آزمایش هنوز فرا نرسیده است. در هر کلیسای مسیحیان راستین وجود دارند؛ کلیسای کاتولیک رومی نیز از این امر مستثنا نیست. هیچ‌کس محکوم نمی‌شود مگر آنکه نور را یافته و الزام فرمان چهارم را دریافت کرده باشد. اما هنگامی که فرمانی صادر شود که رعایت سبتِ جعلی را الزامی کند، و وقتی فریاد بلند فرشتهٔ سوم مردم را از پرستش وحش و تمثال او برحذر دارد، مرز میان باطل و حق به روشنی ترسیم خواهد شد. آنگاه آنان که همچنان بر تعدی اصرار می‌ورزند، نشانهٔ وحش را بر پیشانی‌های خود یا بر دستان خود دریافت خواهند کرد.

«با گام‌های تند به این دوره نزدیک می‌شویم. هنگامی که کلیساهای پروتستان با قدرت دنیوی متحد شوند تا از دینی باطل پشتیبانی کنند، دینی که نیاکان‌شان به سبب مخالفت با آن سخت‌ترین آزار و اذیت‌ها را تحمل کردند، آنگاه سبتِ پاپی به وسیلهٔ اقتدار مشترکِ کلیسا و دولت تحمیل

خواهد شد. ارتدادی ملی رخ خواهد داد که تنها به ویرانی ملی پایان خواهد یافت.» مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۲ فوریه ۱۹۱۳.

«هفت هزار» نفری که در «ساعت» آن زلزله بزرگ - یعنی قانون یکشنبه - سرنگون می‌شوند، همچنین با «هفت هزار» نفری که در زمان ایلیا در برابر ایزابل زانو نزدند، متناظرند.

اما من در اسرائیل برای خود هفت هزار نفر را نگه داشته‌ام: تمام زانوهای که در برابر بعل زانو نزده‌اند و هر دهانی که او را نبوسیده است. اول پادشاهان ۱۹:۱۸

اولین اشاره به هفت هزار نفر، گروهی وفادار را معرفی می‌کند که در برابر ایزابل زانو نزدند، و آخرین اشاره نمایانگر باقیمانده‌ای است که در برابر ایزابل زانو می‌زنند. هنگامی که نظام پاپی در زمان قانون یکشنبه سرزمین پرچال (وحش زمین مکاشفه سیزده) را فتح می‌کند، یک دسته «سرنگون» می‌شود و دسته‌ای دیگر از زیر سلطه بابل می‌گریزد، زیرا آنگاه پیام خروج از بابل آغاز می‌شود.

او همچنین وارد سرزمین باشکوه خواهد شد، و بسیاری از کشورها سرنگون خواهند شد؛ اما اینان از دست او رهایی خواهند یافت: یعنی ادم، موآب و بزرگان بنی‌عمون. دانیال ۱۱:۴۱.

واژه «کشورها» واژه‌ای افزوده است، زیرا بسیاری از کشورها در هنگام قانون یکشنبه «سرنگون» نمی‌شوند، اما بسیاری از ادونت‌های روز هفتم به صورت فردی «سرنگون» می‌شوند؛ زیرا در آن مقطع تنها کسانی هستند که در برابر نور فرشته سوم پاسخگو شمرده می‌شوند. آنان همان «بسیاری» اند، زیرا کسانی بودند که فراخوانده شده بودند تا در میان کسانی باشند که مهر خدا را دریافت می‌کنند، اما آن دعوت را رد کردند.

و بدو گفت: ای دوست، چگونه بی‌آنکه لباس عروسی داشته باشی، به اینجا آمدی؟ و او خاموش ماند. آنگاه پادشاه به خادمان گفت: دست‌وپایش را ببندید و او را ببرید و به تاریکی بیرون بیفکنید؛ در آنجا گریه و دندان‌سایی خواهد بود. زیرا دعوت‌شدگان بسیارند، اما برگزیدگان اندکند. متی ۱۳:۱۲-۱۴

فریبکاری شاهزادگان و رؤسا در باب ششم دانیال، نشان‌دهنده مجازات قدرت دینی‌ای است که قدرت حکومتی را می‌فریبد.

و پادشاه فرمان داد، و آن مردانی را که دانیال را متهم کرده بودند آوردند، و ایشان را با فرزندان و زنانشان به گودال شیران افکندند؛ و شیران بر ایشان چیره شدند و پیش از آن‌که به قعر گودال برسند، همه استخوان‌هایشان را خرد کردند. دانیال ۶:۲۴.

ما کتاب دانیال را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

و دیگر چه بگویم؟ زیرا وقت کافی ندارم که از جدعون و باراق و شمشون و یفتاح، و نیز از داوود و سموئیل و از انبیا سخن بگویم؛ آنان که به ایمان مملکت‌ها را مغلوب ساختند، عدالت ورزیدند، وعده‌ها را به دست آوردند و دهان‌های شیران را بستند. عبرانیان ۱۱:۳۲، ۳۳.